

بنابر ادراک مصلحت در آن بدون نص شرعی و استنباط
و از پیروی از او و ادون پس اتباع آن را ممتنع باطل ساختند
و اتفاق سلف خود را یکی از حج قاطع گمان می کردند خود در
بنوت حضرت عیسی علیه السلام پیوستند ایشان بنیت کر
اقوال سلف و همچنین در بسیاری از احکام اما صاحب
احکام آن در کتاب مجمل و شرح خود ظاهر است که مقتضی
نفس ناره است و آن بر همه کس غالب است از من است و الله
ان النفس الامارة بالسوء و الله ما رحم ربي اما این در ترتیب
از کتاب ربی دیگر پیدا کرده بود که تکلف می کردند بر وی
آن تبادل فاسد و آن را در کتاب شرح اظهار می نمودند
و اما استبعاد رسالت حضرت پیغمبر مصلی الله علیه و آله و سلم
بر سبب آن اعتقاد عادات انبیاء و اولیای ایشان است
که در کتاب تزیین و تعلیل آن و آنچه بدان نامند و اعتقاد شرعی

ایشان

ایشان و اعتقاد منتهی الله در معادله با انبیاء و بعثت پیغمبر از
قوم بنی اسمعیل بعد از آن که جمهور انبیاء از بنی اسرائیل بودند
و امثال آن و اصل دین حشد ایشان است که بنوت نیز نه اصلاح
بفرض عالم است و لویه عادات و عبادت ایشان نه یکبار
احوال بروا تم بر قومی در عبادت و تدبیر منزل و مسیلت
دینیه عادی و از آنکه بنوت در آن قوم پیدا شود آن عادات را
بر انداخته کنند و از سر نو ایجاد عادت دیگر نمایند بلکه تمیز
نمایند در میان عادت آنچه بر قاعده باشد و موافق فرضی حق
بود ماقبل که از او و آنچه خلاف آن باشد یعنی در بقدر ضرورت
و تدبیر ماله الله و پیام الله نیز بهمان اسلوب می شود که در میان
ایشان شایع باشد و بدان آشنا شده باشند پس سبب
این نکته شرعی انبیاء مختلف شد و مثل این اعتقاد
حکم طبیعت چون تدبیر و در بسیار کنیدی را در او ای سر و دید